

فصلنامه تاریخ اسلام

سال هفتم، زمستان ۱۳۸۵، شماره مسلسل ۲۸، ص ۲۵-۴۸

مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی(ص)

دکتر فاطمه جان احمدی*

حاصل بیست سال دعوت علنی و تبلیغات مستمر پیامبر(ص)؛ فرو پاشی نظام جاهلی بود. این تلاش بی وقفه از یک سو باورهای ریشه‌دار و عادت‌های انعطاف ناپذیر حیات قبیله‌ای را ویران نمود و از سوی دیگر بر ویرانه‌های آن، هنجارها، الگوها و ارزش‌هایی هم‌نوا با ساخت جامعه اسلامی ایجاد کرد. در این مسیر دشوار آموزه‌های قرآنی و تعالیم و حیانی و فعالیت‌های فرهنگی پیامبر اکرم(ص)، در دگرگونی اجتماعی نظام جاهلی مؤثر افتاد. وی با ابزارهای اخلاقی مبتنی بر اعتماد سازی عمومی، انگاره‌های فرهنگ اسلامی را ترویج و تقویت نمود و با تصحیح ارتباطات فردی و تغییر رفتار جمعی، ظرفیت‌های اجتماعی را برای تحقق درونی‌سازی ارزش‌ها توسعه بخشید. در این میان، عامل مؤثر در تسریع این روند و هنجارهای اسلامی، مجموعه احکام قرآنی شامل وظایف، تکالیف و حقوق فردی و اجتماعی بود که با تأکیدها و نظارت پیامبر اکرم(ص) فرایند فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن نیز محقق شد. نوشتار حاضر چگونگی دگرگونی فرهنگی و درونی‌سازی ارزشی در عصر نبوی(ص) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: عصر نبوی(ص) دگرگونی فرهنگی، دگرگونی اجتماعی، کنترل

اجتماعی، درونی‌سازی ارزشی، هنجارهای اسلامی.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء.

مقدمه

انوار تابناک دین مبین اسلام در حالی تاییدن گرفت که افق تیره و تاریک جاهلیت تمامی جزیر العرب را در نور دیده بود. انحطاط اخلاقی، ناهنجاری‌های اجتماعی، افکار و افعال برخاسته از حماقت و سفاهت^۱، تبعیت از هنجارهای زشت و ناستودنی سنتی و ویژگی‌هایی به شمار می‌آمد که بر خشم و تسلیم ناپذیری در مقابل کلام الهی دامن می‌زد. در این شرایط نامراد، پیامبری(ص) پا به عرصه وجود نهاد که با تعالیم وحیانی و آموزه‌های قرآنی نظام جاهلی را هدف قرارداد و فرهنگ آن را با مجموعه‌ای از زیر ساخت‌های معمول، به چالش فراخواند.

جریان تبلیغات و تعلیمات الهی پیامبر(ص)، طی بیست سال دعوت علنی مدام و مستمر انجام گردید و سنت‌های قومی و قبیله‌ای را متلاشی نمود. در پی این دگرگونی اساسی، انقلاب نوبنیاد اسلامی با فرهنگی جدید و ارزش و هنجارهایی متفاوت بنا شد. ده سال نخست دعوت علنی رسول اکرم(ص) در کانون آغازین آن، یعنی مکه چندین پرتوفیق جلوه نمود، اما خیلی زود همچون نهالی نورسته بر یثرب نیز ریشه دوانید و از آن جا به همه جزیر العرب و بعدها به سایر کانون‌های تمدنی جهان آن روز منتقل شد. این تلاش بی وقفه که به اضمحلال نظام جاهلی و شکست ارزش‌های حاکم بر آن منجر گردید، جریانی دو سویه بود. از یک سو باورهای ریشه‌دار و عادات ناپسند جاهلی را ویران می‌نمود و از سوی دیگر بر ویرانه‌های آن، هنجارها، الگوها و ارزش‌هایی هم‌نوا با ساخت جامعه‌ای اسلامی فراهم ساخت. تشکیل دولتی مقتدر در مدینه که ظاهراً نخستین توفیق سیاسی پیامبر(ص) بود، به تسریع روند تغییرات فرهنگی و جایگزین نمودن ارزش‌های اجتماعی - اسلامی کمک نمود. تعالیم فراگیر قرآنی و مجموعه‌ای از سنت‌های نبوی به همراه ایجاد دولت اسلامی و کار کردن آن به سرعت حیات شهری اسلامی(حضری) را جایگزین بدویت و حیات جاهلی نمود، زیرا این اصلاحات فرهنگی و تغییرات اساسی، نه تنها در باور و عقیده مسلمانان نمایان شد بلکه همه سنت‌ها، آداب و رسوم و مناسبات

اجتماعی آنان را نیز دگرگون نمود.

بی‌تردید مهم‌ترین عامل تغییرات فرهنگی در کنار ایجاد ارزش‌های نو و هنجارهای بی‌بدیل اسلامی، خواست اجتماعی و هم‌نوایی جمع، برای پذیرش آن فرهنگ جدید بود. علاوه بر این، آن‌چه می‌توانست به تداوم این فرهنگ پذیری و یا استمرار تحولات بینجامد، یگانگی اجتماعی و به دنبال آن کنترل اجتماعی بود.

بر این اساس، هدف مقاله حاضر، تحقیق درباره این سوالات اساسی است:

۱. تغییرات فرهنگی عصر پیامبر(ص) متأثر از چه عواملی بود؟
 ۲. عامل مؤثر در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی عصر پیامبر(ص) چه بود؟
 ۳. سازو کار درونی سازی ارزشی در عصر نبوی(ص) چگونه بود؟
- در پاسخ به این پرسش‌ها مهمترین فرضیات عبارتند از:
۱. آموزه‌های قرآنی و تعالیم و حیانی پیامبر(ص) به تغییرات فرهنگی نظام جاهلی منجر شد.

۲. سازوکارهای فرهنگی پیامبر اکرم(ص) در دگرگونی اجتماعی نظام جاهلی مؤثر بود.
- ۱-۳. کاربرد ابزار اخلاقی مبتنی بر اعتماد سازی عمومی عامل مؤثری در تقویت و تثبیت انگاره‌های فرهنگ اسلامی و درونی کردن ارزش‌ها بود.
 - ۲-۳. ایجاد تکالیف فردی و جمعی در درونی‌سازی ارزش‌های جامعه اسلامی تأثیر بسزایی داشت.

کارآمدترین مفهوم و رهیافتی که می‌توان به مدد آن موضوع کنترل اجتماعی و درونی‌سازی ارزش‌ها را بررسی نمود آراء و نظریه‌های کسانی است که قبلاً بدان توجه نموده‌اند از جمله آنان به راس، دورکیم و مید می‌توان اشاره نمود.

بررسی دقیق موضوع حاضر مستلزم تعریف واژگان است. از این رو، متناسب با چهارچوب نظری موجود ابتدا مفاهیمی مانند دگرگونی فرهنگی^۳، دگرگونی اجتماعی^۴ کنترل اجتماعی^۵ و ارزش اجتماعی^۶، تعریف و سپس به مجموعه عواملی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر تغییرات فرهنگی و کنترل اجتماعی تأثیر گذارند، پرداخته خواهد

شد.

دگرگونی فرهنگی: مبادرت یک قوم به رها کردن سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم کهن و پذیرش ارزش‌های تازه به جای آنها است.^۷

دگرگونی اجتماعی: این فرایند به تبدیل و دگرگونی‌هایی اطلاق می‌شود که در طول تاریخ در اصول زندگی جامعه و ملتی روی می‌دهد.

کنترل اجتماعی: سازوکارهایی که جامعه به وسیله آن تسلط خود را بر اشخاص اعمال می‌کند و آنان را وادار می‌دارد که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا شوند.^۸

ارزش‌های اجتماعی: زیر بنای هنجارها، نهادها، و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند و چهارچوبه‌هایی برای مشروع ساختن رفتارهای انسانی هستند،^۹ بنابر این تعریف، در اصطلاح جامعه‌شناسی، ارزش‌ها به موضوعاتی اطلاق می‌شوند که مورد پذیرش همگان بوده‌اند و ادراک، عواطف و افعال فرد را می‌توانند در جهت‌های معینی به جریان اندازند.^{۱۰}

ارزش‌های اجتماعی متناسب با تعاریف مختلف از آنها، با ویژگی‌های حیات اجتماعی جوامع متعدد نسبی مرتبط هستند و در هر فرهنگی تغییر می‌کنند. موارد "ارزش‌گذاری شده‌ای" مانند هنجارها، آداب و رسوم، معتقدات، اخلاقیات، جزو ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شوند. بنابراین در بررسی حاضر به دلیل ارتباط تنگاتنگ مفهومی و عملیاتی عناصر فرهنگی و اجتماعی تغییرات مرتبط با آنها نیز در یک حوزه مطالعه قرار می‌گیرند.

عوامل مؤثر بر تغییرات فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر نبوی

بعثت پیامبر اکرم(ص) به همراه مجموعه‌ای از آموزه‌های قرآنی و تعالیم وحیانی، جامعه نوپدید اسلامی را به سمت تغییر و تحولاتی اساسی سوق داد که در نهایت منجر به دگرگونی در کل نظام اجتماعی و مناسبات فرهنگی جزیر العرب شد. فرهنگ جاهلی حاکم بر اجتماعات پراکنده یا متمرکز محدود در این سرزمین محصول حیات قومی و

محصور در مناسبات محدود قبیله ای بود. مزید بر آن، محیط نامساعد جغرافیایی، بی‌ساختاری اجتماعی، فقدان نگرش فرا قبیله‌ای و رشد ارزش‌های کهن نظیر حمیت و عصیبت در سایه روح قبیله ای تصور هرگونه تحولی را محال می نمود. از موانع مهم دیگر که سد راه تحولات بنیادین در چنین جامعه بسته ای می‌گردید؛ نظام فکری شرک‌آلود و بینش مشرکانه اعراب جاهلی بود. «الاعراب اشد کفراً و نفاقاً»^{۱۱} این عامل ضمن محدود نمودن کنش فکری آدمی، در دستیابی به عالی‌ترین مرتبه کمال بشری، روح جمعی و وفاق اجتماعی را از میان برد و سودجویی فردی در سایه دیدگاه قبیله‌ای را بر جامعه مستولی کرد.

علاوه براین، جمعیت ناهمگون و پراکندگی اجتماع صحراگرد بی سامان و محکوم به مراعات حیات قبیله‌ای به دور از نظام شهرنشینی، یکی دیگر از عواملی بود که هرگونه تغییر جدی و بنیادی و یا سطحی در عصر نبوی را با مشکل مواجه می نمود. عدم درک صحیحی از نیازهای جمعی و حیات فردی، بی توجهی به نیازهای روحی و روانی در مسائل فردی و اجتماعی نیز از جمله عوامل شناخته شده مانع تغییرات فرهنگی در این عصر است.

در چنین شرایطی، پیامبر(ص) به رسالت مبعوث شد که با: «سیرتة القصد، سنته الرشد، کلامه الفصل و حکمه العدل» همراه بود^{۱۲} و کلام الهی در قالب آیات قرآنی بر بشر نازل گردید که واژه واژه آن کلید سعادت بشری قلمداد می‌شود. بنابراین، نخستین عامل اساسی در ایجاد تحولات بنیادین اسلامی در جزیر العرب، قرآن کریم است که در نهایت اعجاز با محتوایی فوق بشری و دلنشین همه انسان‌ها را به خدایی واحد فرا خواند و با القای نگرش توحیدی بطنان زشت و ناتوان مصنوع دست و فکر بشری را به سخره گرفت و عقل سلیم آدمی را به تفکر واداشت. بررسی آموزه‌های شگرف این کتاب آسمانی و شیوه نزول آن - که خود یکی از عوامل مؤثر در تعمیق فرهنگ جدید اسلامی و تغییر نگرش فرهنگی بود - توانست در باروری، شکوفایی و توسعه فرهنگی، نقش مهم و تعیین

کننده ای ایفا نماید. ویژگی‌های برجسته قرآن و برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی آن با مجموعه‌ای از قوانین اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به همراه شیوه‌نزول تدریجی^{۱۳} موجب شد تا انسان گم کرده راه با تأنی در اعجازش اندیشه کند و تعالیمش را فرا بگیرد^{۱۴} و آدابش را به جای آورد.

لازمه فهم تأثیرگذاری فرهنگی آیات و آموزه‌های قرآنی، تقسیم آیات مکی و مدنی به دو بخش مجزاست. امتیازات آیات مکی که دو سوم کل قرآن را در بر می‌گیرد^{۱۵} به موضوعاتی کلی اختصاص یافت که عمدتاً شامل اصول اعتقادات، اخلاقیات و قوانین دینی بود و در مواردی چون بیان توحید و نفی شرک، تطهیر عقیده و اثبات نبوت و باورمندی بر معاد خلاصه می‌شد. هرچند مطابق دسته‌بندی‌های موجود، آموزه‌ها و قوانین اجتماعی آیات مکی نسبت به آیات مدنی کمتر به نظر می‌رسد،^{۱۶} اما به طور کلی می‌توان موارد ذیل را جزء امتیازات آیات مکی با محتوای اجتماعی بر شمرد که هر یک نقش مؤثری در ایجاد دگرگونی و یا هدفمند ساختن جامعه برعهده داشته‌اند:

۱. توصیه به وحدت و همبستگی اجتماعی؛^{۱۷}
 ۲. طرح قصص انبیاء و ملل گذشته^{۱۸} با هدف عبرت آموزی و الگو سازی؛
 ۳. التزام به حیات پس از مرگ با رویکرد معادی؛
 ۴. توجه به توبه به عنوان ابزار تهذیب بشری؛^{۱۹}
 ۵. تشریح و تبیین خصال نیکو جهت قرب الی الله؛^{۲۰}
- امتیازات آیات مدنی که تنها یک سوم کل قرآن را شامل می‌شود و با محتوای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی طی ده سال حضور پیامبر (ص) در مدینه بر ایشان نازل گردید^{۲۱} عبارتند از:

- تشریح قوانین و مقررات عبادی شامل عبادات فردی و جمعی از جمله
۱. اقامه نماز به شکل کامل آن بویژه نماز جمعه و احکام آن^{۲۲}، نماز خوف^{۲۳} و... با تجلیات و تأثیرهای اجتماعی،

۲. روزه و آداب آن،^{۲۴}

۳. حج و احکام آن^{۲۵}

۴. زکات و مصارف آن^{۲۶}

۵. حلال و حرام، فرائض و احکام^{۲۷}

۶. جهادهای تدافعی و غزوات،^{۲۸}

هریک از این آیات که با اهداف برنامه ریزی شده‌ای در خصوص جامعه نبوی نازل گردید و به تدریج تغییرات اساسی را در جامعه ایجاد نمود. اهتمام به جدیت در رفتار سازمانی و اجتماعی به جای بی نظمی و هرج و مرج، تعهد و التزام به جای نابسامانی و بی هدفی و تحکیم بنیاد روابط متقابل اجتماعی به سرعت جامعه را به ترک سنن، آداب و مناسبات بی محتوای گذشته سوق داد و جهت‌گیری رفتار اجتماعی را به سمت الگوهای آرمانی تسریع بخشید. علاوه بر نزول آیات، تلاش‌های طاقت فرسای رسول اکرم (ص)، با طرح برنامه‌های اخلاقی و آموزش روابط نظام‌مند اجتماعی و فرهنگ سازی قرآنی نیز در فراهم کردن زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و تعیین کننده بود. با این ملاحظه می توان به درستی دریافت که دومین عامل مؤثر در ایجاد دگرگونی اجتماعی و فرهنگی و هنجارسازی اسلامی سیره و سنت شخص رسول اکرم (ص) و مجموعه قول، رفتار و عملکرد آن حضرت بوده است. متناسب با این اهمیت، سنت نبی مکرم اسلام (ص) منشأ الهی برای تمسک مسلمانان به حبل المتین قرآن کریم گردید. بدین ترتیب مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار پیامبر (ص) برای ایجاد تحول فکری و خلق نظام ارزشی جدید، قرآن کریم و کلام الهی بود.

آموزه‌ها و برنامه‌های قرآن کریم موجب شد تا موانع اساسی فرهنگ پذیری نظیر جمود، خودبینی، کبر، سست اعتقادی، رفع و به جای آن تفکر، تعقل،^{۲۹} تدبیر^{۳۰} جایگزین شود. مهم‌ترین دستاورد چنین تلاشی، مذموم دانستن افکار تقلیدی، نفی وابستگی‌های قومی و قبیله ای و ترک بت پرستی بود. گسترش ارزش‌های غائی قرآنی در مکه به دلیل

تعمیق باورهای جاهلی و خلا اعتقادات راستین و البته حاکمیت قریش و تنگ نظری قبیله‌ای، به کندی سپری شد. وجود این موانع سخت و دشوار پیامبراعظم(ص) را مجبور کرد تا علاوه بر سفرهای تبلیغاتی مانند سفر به طائف^{۳۱} و یا اجرای گردهمایی‌های فرهنگی نظیر عقبه اول^{۳۲} و دوم^{۳۳} به تربیت نقیبانی کارآمد مبادرت ورزد و آنان را به نواحی یثرب^{۳۴} و یمن^{۳۵} اعزام نماید و یا در اقدامی تبلیغی و تدافعی دستور به مهاجرت به سمت حبشه^{۳۶} و یا یثرب^{۳۷} دهد. این بدان سبب بود که پیامبر اکرم(ص) هرگز از نقش تعیین کننده مهاجرت به عنوان مهم‌ترین رکن دگرگونی و انتقال فرهنگ غافل نماند، شاید متناسب با همین رویکرد در احادیث بسیاری با تأکید بر اهمیت هجرت صحنه نهاده است. «إِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ هَاجَرَ»^{۳۸}. نکته جالب اینکه توصیه پیامبر(ص) به امر هجرت در این مورد خلاصه نمی‌شود، زیرا ایشان مکرراً به عدم هجرت بعد از توطن و شهر نشینی اشاره می‌فرماید. مذمت بازگشت به حیات جاهلی و یا صحراگزینی بعد از شهر نشینی؛^{۳۹} موضوعی است که در امر موانع فرهنگ‌پذیری اجتماعی، فوق العاده دارای اهمیت قلمداد می‌شود.

مهاجرت و عزیمت پیامبراعظم(ص) به یثرب یکی از نقاط عطف تاریخ اسلام است، زیرا یثرب با دارا بودن ساختاری متفاوت از مکه به زودی کانون تحولات فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر پیامبر(ص) گردید به گونه‌ای که توفیقات چشمگیر پیامبراعظم(ص) در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی در مدینه سریع‌تر بوقوع پیوست. یکی از بهترین رخدادهای سیاسی که زمینه ساز تحولات فرهنگی این عصر به شمار می‌رود، تشکیل نظام سیاسی در مدینه بود. تأسیس دولت می‌توانست عاملی تعیین کننده در ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی، باشد و به کنترل اجتماعی کمک شایان توجهی بنماید. داشتن مشروعیت الهی «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^{۴۰} و دارا بودن حمایت‌های مردمی و مقبولیت عامه از امتیازات دولت سیاسی پیامبر(ص) محسوب می‌شد.

بنابراین با فراهم شدن نظام کاریزمایی به رهبری پیامبر(ص) و تشکیل پایه‌های قدرت

در مدینه، جد و جهد رهبری جامعه برای تقویت بنیاد نظامی و در نهایت سامان‌دهی بخش تبلیغاتی - تعلیماتی با هدف گسترش و حاکمیت بخشیدن اسلام آغاز شد. از این پس مدینه کانون تربیت نقیبان و اعزام آنان برای اجرای تبلیغات در جهت گسترش آموزه‌های اسلامی و تعلیم مبانی دینی گردید. نمونه‌های عالی قوانین اجتماعی اسلامی نظیر عقد قراردادهای متعدد،^{۴۱} بستن پیمان برادری ()،^{۴۲} صدور احکام اسلامی و نظارت بر اجرای قوانین، طراحی نظام اداری ساده به منظور ثبت نامه‌ها^{۴۳} و پیمان‌نامه‌ها^{۴۴} و در نهایت طرح ریزی و اجرای برنامه‌های تدافعی و یا جهادهای نظامی، همگی به منظور دگرگونی فرهنگی و در نهایت کنترل اجتماعی و درونی کردن ارزش‌های دینی بود.

شیوه‌های پیامبر برای ایجاد دگرگونی فرهنگی

برجسته‌ترین آثار و نتایج رسالت پیامبر (ص) ایجاد دگرگونی فرهنگی و جایگزین نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی به شمار می‌آید^{۴۵} که ضمن نوسازی جامعه نوپنیا مدینه، می‌توانست به تحکیم انگاره‌های فرهنگی میان مسلمانان بینجامد. در این طریق رسول اکرم (ص) شیوه‌هایی را به کار گرفت که از میان آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. شیوه سیاسی: تشکیل دولت اسلامی و تقویت ارکان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی آن، مهم‌ترین عامل و منبع توانایی در ایجاد دگرگونی‌های همه‌جانبه به شمار می‌آید. هرچند این شیوه سیاسی دو سویه بود؛ یعنی هم ابزار دگرگونی اجتماعی و به تبع آن تغییرات فرهنگی محسوب می‌گردید، همچنین اهرمی برای ایجاد نظم اجتماعی و به دنبال آن کنترل اجتماعی و یا درونی کردن ارزشی قلمداد می‌شد.

دولت اسلامی مدینه به دو شیوه تسلط اجتماعی خود را بر جامعه اعمال نمود. نخست با شیوه تسلط اجباری که با طرح قوانین و مقررات شهری، تعیین حقوق اجتماعی و دینی به طور مستقیم بر جامعه نظارت داشت. دوم شیوه ترغیبی که به وسیله تشویق و ترغیب،

انسان‌ها را به سازگاری با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اسلامی دعوت می‌نمود.

۲. شیوه اجتماعی: طرح قوانین اسلامی و اقدامات اجتماعی چون عقدنامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها و صلح‌نامه‌هایی که محتوای اجتماعی داشت و به ساماندهی فرهنگی و وفاق اجتماعی می‌توانست بینجامد. به گونه‌ای که در سایه سیاست خاص نبی مکرم اسلام(ص) مبنی بر عقد اخوت به زودی مردم یثرب و مهاجرین علاوه بر فرهنگ پذیری و هم‌گرایی اسلامی به وفاق مبتنی بر اصول برادرانه نایل آمدند، زیرا ایجاد تماس مستقیم و پیوند دینی با السابقون (مهاجرین) و نسل جدید (انصار)^{۴۶} به فرایند فرهنگ‌پذیری مسلمانان و تسریع آن در مدافزود. هرچند سایر برنامه‌های اجتماعی پیامبر(ص) نیز در تقویت بنیاد همبستگی اجتماعی عناصر نامتجانس در مدینه نیز مؤثر افتاد و به پایداری نظام اسلامی در مدینه کمک کرد.

۳. شیوه فرهنگی: صرف نظر از وسعت معنایی و پیچیدگی تعاریف فرهنگ،^{۴۷}

می‌توان به اختصار سیاست فرهنگی پیامبر اکرم(ص) را در موارد ذیل ذکر نمود:

۳-۱. تخریب نظام فکری و اخلاقی جاهلی و جایگزین کردن ارزش‌های جدید فرهنگی منشعب از متن اسلام و متکی به آموزه‌های قرآنی، در این روش مهم‌ترین ابزار پیامبر موعظه، نصایح قرآنی برای تخریب و یا تصحیح آموزه‌های غلط جاهلی بود.

۳-۲. گفتار، رفتار و کردار پیامبر اکرم(ص)، شخصیت عالی، رفتار متعالی و سلوک مردمی پیامبر اکرم، جذابیت‌های ویژه‌ای را برای آن حضرت به عنوان رهبر جامعه اسلامی به ارمغان آورد.^{۴۸} او دارای اخلاقی کامل و جامع تمام فضایل و کمالات انسانی بود که متناسب با آن پروردگار تبارک و تعالی او را این چنین می‌ستاید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

ای پیامبر تو دارای بهترین اخلاق هستی.» «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ إِذَا تَدَخَّوْا سَخْتِ دَلِّمِ بَدِيٍّ مَرْدَمِ مِنْ أَطْرَافِ پَرَاكِنْدَه مِی شَدَنْد.»^{۴۹}

با این توصیف، سیره عملی آن حضرت(ص)، اعم از صفات و اخلاق نیکو و برخورد

ملايم با مردم و خانواده،^{۵۰} او را «اسوه حسنه» و الگویی مناسب برای تمامی مسلمانان قرار داد تا با تمسک به سیره مبارکش به تغییر فرهنگی نایل آیند و نیز ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را در جامعه نهادینه نمایند. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ [در] سیره و سخن] پیامبر خدا برای شما الگوی نیکویی است.» منابع نمونه‌های بسیاری از مناسبات خانوادگی پیامبر(ص) را ثبت کرده‌اند از جمله ابن شهر آشوب در مناقب، (ج ۱، ص ۱۴۶) بخشی از سلوک پیامبر(ص) را این گونه می‌نگارد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله کفش خود را وصله می زد، پوشاک خویش را می دوخت، در منزل را شخصا باز می کرد، گوسفندان و شترها را می دوشید و به هنگام خسته شدن خادمش در دستاس کردن به کمک او می شتافت و آب وضوی شبش را خود تهیه می کرد. و در همه کارها به اهل خانه کمک می کرد. و لوازم خانه و زندگانی را به پشت خود از بازار به خانه می برد.»^{۵۱} از این رو، یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت اسلام، اخلاق نیکو و برخوردی ملايم با مردم بود. رشید الدین میبیدی هم در تأیید همین مطلب در تفسیر آیه «انک لعلی خلق عظیم»^{۵۲} می‌نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله امر و نهی قرآن را چنان پیش گرفت و به خوش طبعی رفتار نمود که گویی خلق وی و طبع وی خود آن بود.»

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجمالہ

حسنت جمیع خصاله صلوا علیه و آله

۳-۳. شیوه عدالت محوری و مدارا: از میان همه خصال نیکوی نبی مکرم اسلام(ص)، رعایت اعتدال، مدارا، و مساوات در توسعه فرهنگ ارزشی اسلام نقش به سزایی ایفا نمود. گرد آمدن مسلمانان و غیر مسلمانان زیر چتر حمایت حکومت اسلامی، صرفاً با جذبه‌ای پیامبر گونه امکان پذیر می‌بود. توجه آن حضرت به تازه مسلمانان و مؤلفه القلوب‌ها به سان برگ برنده‌ای بر شتاب گسترش مفاهیم ارزشی اسلام می افزود و راه هر بهانه‌ای را برای تمرد و سرکشی مشرکان می بست. به همین دلیل در سرلوحه اقدامات اجتماعی و

اقتصادی پیامبر اکرم(ص) توزیع عادلانه غنایم و درآمد بیت المال مسلمین قرار داشت. اغماض از اشتباهات مشرکان و منافقان و یا بخشیدن غنایم به مؤلفه القلوبها نمونه‌های تاریخی از رفتار پیامبر با این جماعت نو مذهب بود.^{۵۳}

۳-۴. تصحیح آداب و رسوم جاهلی و عرضه آیین هدفمند اسلامی یکی دیگر از اقدامات فرهنگی پیامبر برای تغییر مبادی فرهنگ جاهلی بود. در این روش پیامبر با طرح الگوهای هدفداری مانند اعیاد اسلامی(قربان، فطر) و یا آیین‌های عبادی نظیر نماز و روزه و حج جماعت مسلمان را به سمت و سویی رهنمون ساخت که در نهایت رضایت خدا و آرامش روان آدمی را در پی داشت.

۴. شیوه نظامی: برنامه تدافعی و راه اندازی جهادها و غزوات هدفمند پیامبر(ص) هر چند به ظاهر دارای شاکله‌ای نظامی بود، اما به طور کلی با اهداف متعالی فرهنگی نیز همراه بود. زیرا فرصت سفر مقدس جهاد و یا صحنه رویارویی با دشمن و یا فتح و حتی شکست، زمانی مناسب بود تا اصول اخلاقی و ارزشی طرح و آموزش داده شود.

پیامبر اعظم(ص) و سازو کار درونی‌سازی ارزشی

به موازات تغییرات اساسی و دگرگونی‌های فرهنگی که در جامعه نبوی پدیدار شد، سیاست‌هایی از سوی پیامبر باید اعمال می‌گردید تا مسلمانان و نوکیشان را با ارزش‌هایی جدید هم‌نوا سازد. تقویت باورهای اسلامی و تعمیق اعتقادات ماورایی، به همراه ارج نهادن به اخلاق و گرمی داشت آموزش و آشکارسازی حقوق اسلامی در حفظ ساختار هنجاری جامعه نقش مهمی داشت که سرانجام به کنترل اعمال فردی و اجتماعی مسلمانان می‌انجامید. بنابراین اصل، پیامبر اعظم(ع) مجموعه سیاست‌هایی را به کار برد که ضمن درونی‌سازی خواست‌های اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عنصر کنترل اجتماعی^{۵۴} به تعمیق باورها و عقاید اسلامی نیز کمک نماید. شدت و ضعف این سیاست‌های عملی به یک اندازه نبود بلکه تعدادی از آنها مانند قوانین و مقررات، حقوق اجتماعی و دینی با دقت نظر

بیشتری اعمال می‌شد که سرپیچی از آنها مجازات و سخت‌گیری را نیز به دنبال داشت، اما تعدادی دیگر نیز تنها برخوردهای اجتماعی را می‌طلبید. بنابر این اصل، سازو کارهای کنترل اجتماعی پیامبر اعظم(ص) برای درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی عبارتند از:

۱. تقویت و تحکیم بنیادهای نظام دینی و ایدئولوژیک اسلام: دین اسلام با مجموعه‌ای از آداب و رسوم مشخص و رفتارهای نمادین اخلاقی هم به کنترل فردی و شخصی توجه داشت و هم به جامعه پذیر نمودن انسان‌ها و کنترل اجتماعی، پس پیامبر اکرم با طرح تکالیف فردی و قوانین جمعی به تحکیم مبانی مناسبات اجتماعی نایل آمد، زیرا این تکالیف می‌توانست فرد را به اطاعت از یک قاعده و یا یک امر قانونی وادار سازد و آنان را به سوی همنوایی اجتماعی سوق دهد. از این رو عنصر دین اسلام کارکردی چند سویه داشت:

- ۱-۱-۱. به عنوان وجدان که محصولی اجتماعی است^{۵۵} و نوعی کنترل شخصی به شمار می‌آید که در انسان عمل نماید.
- ۱-۱-۲. احساس امنیت را در جامعه بالا برد.
- ۱-۱-۳. جامعه‌پذیری اجتماع انسانی را افزایش می‌داد.
- ۱-۱-۴. انسجام و همبستگی گروهی را تحکیم بخشید و احساس وحدت و تعلق را فزونی بخشید.

۱-۲. از دیگر اقدامات عملی پیامبر در جهت تحکیم بنیاد دین اسلام عبارتند از:

۱-۲-۱. مبارزه عملی با شرک و بت پرستی؛

۱-۲-۲. نفی آداب و رسوم مشرکانه؛

۱-۲-۳. پاکسازی خانه کعبه و بت شکنی؛

۲. تأسیس مسجد، نهادی چند منظوره: راه اندازی نهاد فرهنگی - اجتماعی مانند مسجد که مکانی مقدس و کارکردی چند جانبه داشت به عنوان عنصری نظم دهنده موجب همنوایی رفتار اشخاص با خواست های گروهی می‌شد و به کنترل اجتماعی می‌انجامید.^{۵۶}

مسجد مدینه نهادی تعلیمی بود که بر بنیاد تقوی استوار شد^{۵۷} و به زودی جایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را در جامعه باز نمود و محل تجمع و گردهمایی‌های مختلف مسلمانان گردید.^{۵۸}

۳. تشکیل دولت اسلامی: دولت نو بنیاد اسلامی در مدینه با رهبری پیامبر اکرم(ص) و مجموعه ای از قوانین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی همراه بود که در یک بررسی کلی می توان پذیرفت این قوانین مدنی هر یک سرمنشأ تحولی عظیم در فرهنگ و تمدن اسلامی گردید. فرامین پیامبر(ص) و قواعد لازم الاجرا برای ماندگاری در شهر و یا حتی پیمان نامه‌ها و قرار دادهای اسلامی نمونه عالی طرح ساماندهی اجتماعی پیامبر اکرم تلقی می‌شد. این قوانین، مهم‌ترین رکن در ایجاد دگرگونی و تغییرات فرهنگی مورد مطالعه است که در بخش‌های مختلف دیگری نیز می توانست ابزار اصلی برای کنترل اجتماعی جامعه اسلامی باشد.

۴. طرح مراسم دینی: رفتار های دینی با مجموعه ای از مراسم و آداب آیینی به مثابه محرک‌هایی هستند که به فعالیت اجتماعی و سیاسی سمت و جهت می بخشند. مراسم و مناسک دینی منظم که مؤمنان بدان وسیله با یک‌دیگر ارتباط برقرار می کنند؛ فرصت ملاقات آنان را فراهم می‌کند و در درونی‌سازی ارزش های معنوی نقش مهم و تعیین کننده ای را ایفا می نمایند. بنابراین، تجمع دینی، نوعی همبستگی گروهی را به وجود می‌آورد که در نهایت ضمن ایجاد و تثبیت پیوند انسان‌ها به هم ارزش‌های موجود دینی را تحکیم می بخشد. برای نمونه نمازهای پنج‌گانه به شکل جماعت و یا نماز جمعه و عید فطر، آیین حج و مراسم آن و سایر مناسبات دینی مشترک می توانست حول محور ذیل - علاوه بر درونی‌سازی ارزش‌ها - به کنترل اجتماعی بینجامد:

۱. این مراسم به وفاق اجتماعی، وحدت دینی و تقویت همبستگی گروهی کمک

می‌نماید.

۲. به زندگی و حیات پس از مرگ معنا می‌بخشد.

۳. هدایت‌گر رفتارهای مسلمانان در قالب آیین‌های مشترک است.

۴. نیازهای معنوی جامعه اسلامی را برآورده می‌کند.

۵. طرح قواعد اخلاقی: اگر ما اخلاق را مجموعه‌ای از اصول و قواعد روشی بپذیریم که نوع مناسبات و قواعد رفتاری ما را تعیین می‌کنند بنابراین، می‌توان به میزان تأثیر گذاری اجرای قواعد اخلاقی به عنوان ضمانت‌های اجرایی مبانی دینی و در نهایت کنترل اجتماعی مردم جامعه پی برد. طرح مبانی اخلاقی نظیر احترام به معنویت، توجه به عدالت، رعایت حقوق مستضعفان و... ضمن تولید هنجارهای نو و ارزش‌های جدید در جامعه نوین‌یاد اسلامی می‌توانست به فرایند جامعه‌پذیری، درونی‌سازی ارزش‌ها و کنترل اجتماعی منتهی شود. درک این مطلب می‌تواند به فهم هرچه بهتر مهم‌ترین هدف رسالت پیامبر اکرم(ص) که همان مکارم اخلاق است بینجامد.

در تحلیلی کلی از برنامه‌های پیامبر اعظم(ص) در طرح مناسبات اخلاقی و ترویج فرهنگ دینی می‌توان عناوین ذیل را به طور موجز ذکر نمود:

۱. ترویج فرهنگ اخوت و همدلی و همبستگی اسلامی؛

۲. ترویج فرهنگ عدالت محوری با تأکید بر برابری و مساوات؛

۳. ترویج فرهنگ ساده زیستی؛

۴. نفی اسراف‌گری و پرهیز از تجمل‌گرایی؛

۵. تقبیح و ذم اشرافی‌گری؛

الف) نهی از رفتارهای اشرافی و تن‌آسایی اجتماعی؛

ب) جلوگیری از بذل و بخشش‌های اشرافی؛

ج) ممانعت از مظاهر زیست اشرافی و تجمل‌گرایی؛

۶. تغییر نگرش مسلمانان به موضوعاتی مانند:

الف) زن و خانواده؛

ب) بردگان، غلامان و کنیزکان؛

ج) بیعت؛

- د) طبقه و مناصب سیاسی و اجتماعی؛
- (مصرف و الگوهای مصرفی؛
- و) مشارکت سیاسی؛
- ز) فعالیت اجتماعی؛
- ح) معیارهای ارجمندی؛
- ط) عمل و نیت؛
- ی) عبادات و مصادیق آن؛
۷. ارزش گذاری
- الف) دانش و تحصیل علم؛
- ب) مهارت های اجتماعی:
- ازدواج^{۵۹} و طلاق^{۶۰}؛
- توجه به آموزش؛
- توجه به شوری و دموکراسی اجتماعی؛
- توجه به آداب اجتماعی(لباس پوشیدن، سخن گفتن، سایر موارد)؛
- امانت داری؛
- رعایت حقوق اجتماعی؛
- امر به معروف و نهی از منکر؛
- تأکید بر صله رحم و تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی؛
- ج) مهارت های دینی:
- تلاوت قرآن؛
- گفتن اذان^{۶۱}؛
- احسان و احترام به والدین؛
- تقوای فردی و اجتماعی؛
- د) مهارت های اقتصادی:

- وفای به عقود؛^{۶۲}

- نهی از خوردن اموال؛^{۶۳}

- نفی رباخواری؛^{۶۴}

- امانت اموال دیگران؛

تخلف از مبادی ارزشی و هنجارهای اخلاقی موجود در جامعه نوبنیاد مدینه، پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال داشت. شاید یکی از بهترین نمونه‌های تاریخی این مدعا ساخت مسجد ضرار و ویران کردن آن^{۶۵} و یا برخورد جدی^{۶۶} با متخلفان غزوة تبوک^{۶۷} در این خصوص باشد.^{۶۸} آموزش‌های دینی و توصیه‌های فرهنگی و اخلاقی، طرح برنامه‌های فراگیر اجتماعی، تصمیمات سیاسی و نظامی به انضمام برخوردهای اصلاحی مذکور از سوی پیامبر اکرم(ص) در جامعه اسلامی نتایجی را به دنبال داشت:

۱. تقویت و تحکیم نظام اسلامی؛

۲. تقویت، خود باوری فردی و جمعی؛

۳. ایجاد و طرح ارزش‌های مشترک دینی؛

۴. ایجاد وحدت میان ارکان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه؛

۵. ایجاد و تقویت حس تعاون و تعامل اجتماعی؛

۶. کنترل رفتار مردم در جهت تحکیم بنیاد سیاسی و فرهنگی اسلام؛

۷. ایجاد وفاق ارزشی میان مردم؛

نتیجه

این تلاش علمی صرفاً دستمایه‌ای برای بررسی مقدماتی سازوکارهای پیامبر اکرم(ص) در امر دگرگونی فرهنگی و درونی‌سازی ارزشی در طی بیست سال دعوت علنی به شمار می‌آید، با این توضیح، حاصل تحقیق عبارت است از:

۱. عوامل اصلی دگرگونی‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی در جامعه اسلامی آموزه-

- های قرآنی و تعالیم و حیانی پیامبر(ص) بود. این دو عامل ضمن ایجاد تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی به درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی منجر شد.
۲. مهم‌ترین اقدام پیامبر (ص) برای ایجاد دگرگونی اجتماعی و به تبع آن کنترل اجتماعی؛ ابزار سیاسی تشکیل دولت و برقراری نظم اجتماعی مبتنی بر عدالت محوری بود. این عامل اساسی در تعمیق آموزه‌های قرآنی نقش مهمی را بر عهده داشت.
۳. ایجاد ارزش‌های جدید و خلق هنجارهای اجتماعی که روح فرد گرایی را به جمع گرایی اسلامی تبدیل می‌نمود عامل مهم و تعیین کننده‌ای در تقویت بنیاد کنترل اجتماعی می‌توانست به شمار آید.
۴. پیامبر اعظم(ص) ضمن توسل به قرآن و استفاده از توانمندی آن از ابزارهای اخلاقی مبتنی بر اعتماد سازی عمومی برای تقویت و تثبیت انگاره‌های فرهنگ اسلامی و درونی‌سازی ارزش‌های آن استفاده فراوان برد.
۵. وجود تکالیف فردی و جمعی در فرهنگ اسلامی نقش مؤثری در درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. جواد علی، *المنصل فی تاریخ العرب*، (قم، مطبعة شریف رضی، ۱۴۱۳) ج ۱، ص ۳۹.
۲. مکه شهری دین مدار بود که به دلیل وجود خانه کعبه و حضور متمرکز قبیله قریش پایبند اصول فرهنگی کهنی بود؛ بنابراین طبیعی می‌نمود که تغییرات فرهنگی در این کانون بسیار آرام و کند و پرمقاومت صورت گیرد.
3. Culture Change.
4. Social Change.
5. Social Control.
6. Social Value.
۷. بروس کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، (تهران، سمت، ۱۳۸۵)، ص ۶۷-۶۸.
۸. لوئیس کوزر، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد (تهران، نشر نی، ۱۳۷۸) ص ۱۰۷.
۹. امان‌الله قرائی مقدم، *مبانی جامعه‌شناسی*، (تهران، ابجد، ۱۳۷۴) ص ۲۰۰.
۱۰. آگ برن و نیم کف، *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس امیر حسین آریان‌پور (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹) ص ۱۸۸.
۱۱. توبه/۹۷.
۱۲. روش او میانه، رفتار او هدایت و گفتارش معیار حق و باطل و فرمانش عدل و عدالت بود. *نهج‌البلاغه*، صبحی، ص ۱۳۹.
۱۳. یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، تحقیق عبدالامیر مهنا (بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۳) ج ۱، ص ۳۵۳.

۱۴. علامه طباطبایی نیز در تفسیر سوره اسراء آیه ۲/براین امر صحه نهاده است. *المیزان*، ج ۱۵، ص ۲۲۹.
۱۵. یعقوبی، پیشین، ص ۳۵۲-۳۵۳.
۱۶. النجار، *السيرة النبوية*، الشيخ زكريا عميرات (بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۹۷) ص ۱۶۵.
۱۷. شوری/ ۱۳ و ۱۵.
۱۸. انعام
۱۹. ان الحسنات يذهبن السيئات هود/ ۱۱۴، النساء/ ۱۷.
۲۰. النجار، پیشین، ص ۱۶۹؛ یعقوبی، پیشین، ص ۳۶۱.
۲۱. همان، ص ۳۶۲-۳۶۳.
۲۲. نساء/ ۱۰۱ و جمعه؛ یعقوبی، پیشین، ص ۳۶۱.
۲۳. در حین غزوه ذات الرقاع پیامبر به همراه یارانش این نماز را بجای آورد. النجار، پیشین، ص ۲۸۰.
۲۴. روزه در دومین سال هجرت بر مسلمانان واجب شد؛ همچنین بقره/ ۱۸۳.
۲۵. حج عمره انجام نشده پیامبر در سال ششم هجری و حجة الوداع در سال ۱۰ هجری بود. بقره/ ۱۹۶ و آل عمران/ ۹۷ و حج/ ۲۸؛ ابن هشام، *السيرة النبوية*، (بيروت، دارالكتب العربي، ۱۹۹۸) ج ۴، ص ۲۵۱ و ۲۵۴ و ابی الفداء، *المختصر فی اخبار البشر*، علق علیه محمود دیوب (بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۷۷) ج ۱، ص ۲۰۳؛ طبری، *تاریخ الطبری*، عمره قضاء، (بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۹۷) ج ۲، ص ۱۴۲ و ۲۰۴.
۲۶. اگرچه نسبت به پرداخت زکات در عصر مکی نیز تأکید شده است، اما به طور کلی آیات مربوط به فریضه زکات و احکام آن نیز مربوط به عصر مدنی است. برای توضیح بیشتر ببینید: توبه/ ۶۰؛ النجار، پیشین، ص ۲۸۲.
۲۷. یعقوبی، پیشین، ص ۳۶۲.
۲۸. توبه/ ۱۳-۱۶، حج/ ۳۹.

۲۹. نحل / ۶۷.
۳۰. نحل / ۶۹، ۱۱.
۳۱. ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۶۷-۶۸ و ابی الفداء، پیشین، ص ۱۷۹.
۳۲. ابن هشام، پیشین، ص ۷۹.
۳۳. همان، ص ۸۶.
۳۴. همان، ص ۹۰-۹۱.
۳۵. البداية و النهاية، ج ۵، ص ۱۰۵.
۳۶. الحلبي، السيرة الحلبية، (دارالمعرفة، بی جا، بی تا) ج ۲، ص ۳ به بعد؛ ابی الفداء، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۷.
۳۷. همان، ص ۲۱۵.
۳۸. ابن شبة، تاريخ المدينة المنورة، (حققه فهيم محمد شلتوت (بيروت، دارالتراث، ۱۹۹۰) ج ۲، ص ۴۸۳.
۳۹. همان، ص ۴۸۲.
۴۰. انعام / ۵۶-۵۷، مائده / ۵۰.
۴۱. قرار داد با يهود. محمد بن احمد كنعان، السيرة النبوية والمعجزات خلاصة تاريخ ابن كثير، (بيروت، مؤسسه المعارف، ۱۹۹۶) ص ۱۹۸.
۴۲. همان، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ ابی الفداء، پیشین، ص ۱۸۷.
۴۳. بينيد فهرست كتاب پیامبر(ص)، يعقوبی، پیشین، ص ۴۰۱.
۴۴. ابن شبة، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۳.
۴۵. أنا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً و داعياً إلى الله بإذنه و سراجاً منيراً احزاب / ۴۵-۴۶.
۴۶. السابقون الاولون من المهاجرين و الانصارو الذين اتبعوهم باحسان رضى الله عنهم توبه / ۱۰۰.
۴۷. آشوری، تعريف مفهوم فرهنگ، (تهران، آگاه، ۱۳۷۹) ص ۲۷.
۴۸. طبری، پیشین، نمونه های اوصاف پیامبر، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۴۹. آل عمران/۱۵۹.
۵۰. نمونه هایی از رفتار خانوادگی پیامبر(ص) را منابع ثبت نموده اند.
۵۱. ابن شهر آشوب، مناقب، (قم، مطبعة علمیه، بی تا) ج ۱، ص ۱۴۶.
۵۲. قلم / ۴.
۵۳. ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۲۷-۱۳۸؛ واقدی، المعازی، تحقیق مارسدن جونز (بیروت، مؤسسه الاعلمی، للمطبوعات، ۱۹۸۹) ج ۳، ص ۹۴۹-۹۵۲.
۵۴. رجوع شود به آراء و نظرات هربرت مید در مورد کنترل اجتماعی؛ کوزر، پیشین، ص ۱۰۸.
۵۵. همان، ص ۱۰۸.
۵۶. ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۱.
۵۷. لَمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ . توبه/۱۰۸.
۵۸. کنعان، محمد بن احمد، پیشین، ص ۱۸۰-۱۸۱.
۵۹. بقره/۱۸۷.
۶۰. نساء/۴.
۶۱. الحلبي، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۶ و ۲۹۹-۳۰۰؛ يعقوبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۶۱.
۶۲. مائده/۱.
۶۳. بقره/۱۸۸.
۶۴. همان/۲۷۵.
۶۵. ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۱.
۶۶. آیتی، تاریخ پیامبر اسلام محمد(ص)، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸) ص ۵۳۲.
۶۷. این متخلفان در تاریخ به بکائون و المعذورن موسومند که نام آنها در سیره ابن هشام آمده است. ابن هشام، پیشین، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۶۸. آیتی، پیشین، ص ۵۲۸.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آشوری، تعریف مفهوم فرهنگ، (تهران، آگاه، ۱۳۷۹).
- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام محمد(ص). با تجدید نظر و اضافات ابوالقاسم گرجی، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸).
- ابن شبّه النمیری البصری، ابوزید عمر، تاریخ المدينة المنورة (أخبار المدينة النبوية)، حققه فهيم محمد شلتوت، (بيروت، دارالتراث، ۱۹۹۰).
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشيدالدين محمدبن علي، المناقب، (قم، مطبعة علمية، بی تا)، ج ۱.
- ابن هشام، السيرة النبوية، علق عليها و خرج احاديثها عمر عبدالسلام تدمري، (بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۹۹۸).
- ابن كثير، ابولفداء الحافظ، البداية و النهاية و معه نهاية البداية في الفتن و الملاحم، ج ۵، تحقيق و توثيق صدقي جميل العطار، (بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۹۹۸).
- ابي الفداء، عمادالدين، تاريخ ابي الفداء المسمى المختصر في اخبار البشر، علق عليه محمود ديوب، (بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۹۹۷).
- برن، آگ و نيم كف، زمينه جامعه شناسی، اقتباس اميرحسين آريان پور، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹).
- جواد علي، المنفصل في تاريخ العرب، (قم، مطبعة شريف رضى، ۱۴۱۳).
- الحلبي، علي بن برهان الدين، السيرة الحلبية في سيرة الامين المأمون، (دارالمعرفة، بی تا، بی تا).
- طباطبایي، محمدحسين، تفسير الميزان، ج ۱۵.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جرير، تاريخ الطبری (تاريخ الامم و الملوك)، (بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۹۷).
- قرائی مقدم، امان الله، مباني جامعه شناسی، (تهران، ابجد، ۱۳۷۴).

- کنعان، محمد بن احمد، *السيرة النبوية و المعجزات*، خلاصة تاريخ ابن كثير، (بيروت، مؤسسة المعارف، ۱۹۹۶).
- كوزر، لوئيس، *نظريه های بنيادی جامعه شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، (تهران، نشر نی، ۱۳۷۸).
- كوئن، بروس، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، (تهران، سمت؛ ۱۳۸۵).
- التجار، الشيخ عبدالوهاب، *السيرة النبوية*، خرجه آیاته و وضع حواشيه، الشيخ زكريا عميرات، (بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۹۷).
- واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، ج ۳، تحقيق مارسدن جونز، (بيروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۹).
- اليعقوبی، احمد بن ابی يعقوب، *تاريخ اليعقوبی*، ج ۲، تحقيق عبدالامير مهنا، (بيروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۳).